

عنوان مقاله:

بررسی نقش خانواده در بزهکاری کودکان و نوجوانان

محل انتشار:

پنجمین همایش بین المللی روانشناسی، علوم تربیتی و مطالعات اجتماعی (سال: 1401)

تعداد صفحات اصل مقاله: 20

نویسندگان:

رونک قادری - کارشناسی آموزش ابتدایی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد بوکان

مینزه سمندری - کارشناسی آموزش ابتدایی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد بوکان

خلاصه مقاله:

اهمیت زندگی خانوادگی برای کودکان و نوجوانان به مراتب از افراد بالغ بیشتر است. چراکه در اینجا است که کودک اولین تجربیات خود را در زیستن با دیگران می آموزد. در محیط خانواده است که پایه رشد و فعالیت های آینده کودک گذاشته میشود. اصولاً کلیه رفتارهای دوران نوجوانی، جوانی و بالاتر، چه اجتماعی باشد و یا ضد اجتماعی، در نتیجه تجربیات گذشته به وجود می آید و با توجه به این تجربیات است که میتوان این حالات و رفتارها را توجیه کرد. بزهکاری در کودکان و نوجوانان هرچند می تواند به عوامل بسیار، از جمله مشکلات فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی و... وابسته باشد. اما در گام نخست این خانواده است که کودک را به مسیر صحیح هدایت می کند یا بستر گناه و جرم و انحراف را برای او مهیا می سازد. انسان به دلیل ویژگی اجتماعی بودن خود از بدو تولد تحت تاثیر افکار، عقائد و رفتار اطرافیان قرار می گیرد و بعدها به تقلید از این رفتارها و گفتارها، الگوهایی را که به نحوی در ارتباط با او هستند سرمشق رفتاری خود قرار خواهد داد. محیط خانواده اولین محیطی است که فرد در آن رشد می کند و هنجارها را می آموزد. علی رغم اینکه بسیاری از عوامل در وقوع بزهکاری اطفال و نوجوانان دخیل اند اما در گام نخست این خانواده ها هستند که نقش تعیین کننده ای در سرنوشت اطفال دارند. چنانکه با تربیت درست می توانند کودک را به راه صحیح هدایت کنند و یا شرایط و محیط را برای تحقق بزهکاری توسط اطفال مهیا سازند. معمولاً والدین اطفال یا نوجوانان بزهکار از نظر رفتاری یا بسیار خشن و سخت گیر هستند و یا نسبت به فرزند خود بسیار بی توجه و سهل انگار هستند. غالباً والدین این دسته از اطفال و نوجوانان در ارتباط برقرار کردن با فرزند خود دچار اشکال هستند و نمی توانند به درستی به تکالیف خود نسبت به فرزندشان عمل کنند. دانشمندان با پژوهش ها ی اجتماعی، وضع نابسامان محیط خانوادگی را در بروز جرائم تایید کرده اند و ادعان داشته اند که وضع خانوادگی شخص رابطه ی مستقیم با بروز حالت خطرناک و بزهکاری وی دارد. از نظر تحصیلات و مسائل فرهنگی، فرزندان خانواده های سطح پایین و متوسط به مراتب بیشتر از فرزندان خانواده های روشنفکر و سطح بالای جامعه در معرض ارتکاب جرائم مختلف هستند. بنابراین نباید سیاست جنائی خاص بزهکاران صغیر و نوجوان را از سیاست حمایت خانواده جدا دانست. به عبارت دیگر حمایت درست از نهاد مقدس خانواده و نظارت اساسی و کارشناسانه بر آن سبب کاهش جرائم خاص صغار و نوجوانان خواهد شد.

کلمات کلیدی:

خانواده، بزهکاری، کودکان، درآمد، نوجوانان

لینک ثابت مقاله در پایگاه سیویلیکا:

<https://civilica.com/doc/1756969>

